



پیامدهای اجتماعی و فرهنگی سایبر دیپلماسی دولت باراک اوباما در

جامعه ایران

رضا مجدی^۱

دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه حقوق و علوم سیاسی، پردیس دانشگاه تهران، تهران، ایران

**PhD student of International Relations, Department of Law and Political
Science, University of Tehran, Tehran, Iran.**

ابوذر عمرانی

دکترای روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه روابط بین الملل.

**PhD in International Relations, Allameh Tabatabai University, Faculty of
Law and Political Science, Department of International Relations.**

چکیده

هدف اصلی دیپلماسی سایبری امریکا در قبال جامعه ایران ترویج فرهنگ امریکایی و ارزش‌های این کشور در جهت ارائه تصویر مطلوب از خود و تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی ایران به منظور رسیدن به اهداف خود در راستای تضعیف و تغییر نظام سیاسی است. سایبر دیپلماسی ایالات متحده در قبال ایران که از دوره جرج دبلیو بوش شروع شده بود، در دوره ریاست جمهوری باراک اوباما ابعاد گسترده‌تری پیدا کرد و جامعه ایرانی مخاطب و هدف ابزارهای جدید سایبر دیپلماسی قرار گرفتند. هدف پژوهش حاضر بررسی پیامدهای اجتماعی و فرهنگی سایبر دیپلماسی دولت اوباما در قبال ایران است. پرسش اصلی این است که سایبر دیپلماسی ایالات متحده در دوره ریاست جمهوری اوباما چه پیامدهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایرانی داشته است؟ در ادامه این فرضیه مطرح شده که دیپلماسی سایبری امریکا توانسته است با تغییر ذهنیت و نگرش کاربران اینترنتی، اغلب آنها را نسبت به جامعه و هویت ایرانی-اسلامی بدبین کرده و مخاطبان ایرانی هرچه بیشتر در دسترس و مخاطب رسانه‌ها و ابزارهای فضای سایبری و شبکه‌های اجتماعی قرار گرفته‌اند، این اثرگذاری بیشتر بوده است. پژوهش حاضر تأثیر سایبر دیپلماسی امریکا بر مواردی مانند تغییر نگرش نسبت به جامعه ایران، هویت و دینداری جامعه ایرانی و زنان ایرانی را تحت با روش توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار داده است.

کلید واژه‌ها: دیپلماسی سایبری، جامعه ایرانی، مباحث اجتماعی و فرهنگی، ایالات متحده امریکا، باراک اوباما.

مقدمه

پس از اینکه دولت-ملتها به تدریج شکل گرفته و برقراری ارتباط بین آنها ضرورت پیدا کرد، مفهوم دیپلماسی نیز به منظور برقراری ارتباط میان واحدهای سیاسی در عرصه روابط بین‌الملل پدیدار شد. زیرا دولت-ملتها نیازمند انجام تعاملات گوناگون در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر عرصه‌ها بودند. با تحولات در حوزه قدرت و روابط بین‌الملل و پر رنگ شدن نقش بازیگران غیردولتی و افکار عمومی، شکل‌های جدید از دیپلماسی مطرح شد که به دیپلماسی عمومی شهرت دارد. بعد از اتمام جنگ سرد، امریکا، به‌عنوان هژمون لیبرال، سعی در گسترش ایدئولوژی و ارزش‌های فرهنگ لیبرال در سطح جهانی داشت و به همین دلیل و همچنین به دلیل ترمیم چهره خود نزد افکار عمومی جهانی به دیپلماسی عمومی روی آورد. این روند با ظهور اینترنت در دهه ۱۹۹۰ روی دیگری پیدا کرده و دیپلماسی سایبری امریکا نیز در این مقطع پدید آمد. بدین ترتیب این پیشرفت در فناوری اطلاعات و ارتباطات و امکان برقراری ارتباط از طریق اینترنت بود که دیپلماسی سایبری یا دیجیتال را پدید آورد. این مسئله از دوره رئیس‌جمهوری کلینتون آغاز شد، سپس با جدیت بیشتری در دوره جرج بوش پسر ادامه یافت، تا اینکه بهره‌برداری از ظرفیتهای اینترنت در دیپلماسی عمومی در دوره اوباما تعمیق پیدا کرده و ابعاد آن گسترده شد. بدین ترتیب استفاده از دیپلماسی سایبری برای پیشبرد اهداف سیاست خارجی در امریکا از سالهای ابتدایی قرن بیست و یکم صورت جدی به خود گرفت. دولت امریکا بویژه در مورد رقبا و دشمنان اصلی خود در نظام بین‌الملل از دیپلماسی سایبری بهره می‌برد. مخصوصاً با استفاده از این ظرفیت اقدامات مهمی علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران به انجام رسید که به نظر می‌رسد نتایج مؤثری را در تغییر چهره امریکا در میان کاربران ایرانی رقم زده است. پژوهش حاضر در نظر دارد تأثیر فعالیت‌های سایر دیپلماسی ایالات متحده را بر دیدگاه کاربران ایرانی فضای مجازی، و همچنین تحولات اجتماعی-فرهنگی جامعه ایرانی مورد بررسی قرار دهد. برای بررسی این مسئله پرسش این است که سایر دیپلماسی ایالات متحده در دوره ریاست جمهوری اوباما چه پیامدهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایرانی داشته است؟ فرضیه این است که دیپلماسی سایبری امریکا توانسته است با تغییر ذهنیت و نگرش کاربران اینترنتی، اغلب آنها را نسبت به جامعه، ارزشهای آن و هویت ایرانی-اسلامی بدبین کرده و این مسئله به تناسب دسترسی بیشتر مخاطبان ایرانی به اینترنت و فضای مجازی بیشتر بوده است. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است. در این راستا در ابتدا مطالب مربوطه به صورت دقیق تصویرسازی شده، سپس به صورت منطقی مورد تحلیل واقع می‌شود. با توجه به ماهیت و نوع موضوع مورد مطالعه، گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. در این راستا سعی شده است از مهمترین کتابها، مقالات، نشریات، اخبار و سایت‌های اینترنتی به زبان فارسی و انگلیسی استفاده شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش درباره سایبر دیپلماسی به صورت کلی و سایر دیپلماسی امریکا در قبال ایران به صورت ویژه، جزو موضوعات جدید و جذاب برای پژوهشگران بوده و طی سالهای گذشته در مواردی به آن پرداخته شده است: حاج زرگرباشی و موحدیان (۱۳۹۷)، پژوهشی در مورد تأثیر صفحه فیس‌بوک وزارت خارجه امریکا بر نگرش کاربران ایرانی نسبت به جامعه ایران انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش حکایت از ایجاد نگرش منفی نسبت به جامعه ایران در کاربران داشته است. رستمی و دیگران (۱۳۹۶)، تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ و باورهای دینی کاربران به صورت کلی، و کاربران استان فارس، به صورت موردی، را مورد مطالعه قرار داده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هرچه بیشتر از فضای مجازی استفاده می‌شود، بنیان‌های هویتی افراد دچار تزلزل بیشتری می‌شود. در تحقیقی که صیاد و دیگران (۱۳۹۹)، با عنوان

«تهدیدهای سایبری و اقدامات امنیتی در فضای مجازی؛ بررسی رویدادهای ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران»، انجام داده‌اند، ضمن بررسی تهدیدات امنیتی متأثر از فضای مجازی در دو کشور ایران و آمریکا، اقدامات امنیتی در مواجهه با این تهدیدات بررسی شده است. طباطبائی و دیگران (۱۳۹۵)، تحقیقی با عنوان «تأثیر سایبر دیپلماسی آمریکا بر دیدگاه کاربران ایرانی فضای مجازی (مورد مطالعه: سایت صدای آمریکا)»، انجام داده‌اند. یافته‌ها حکایت از ایجاد نگرش منفی در بین کاربران نسبت به جامعه ایران در حوزه‌های مختلف داشته است. فاضلی و افضلی (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان «دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران در دولت اوباما (با تأکید بر فضای سایبری)»، ضمن بررسی اقدامات دیپلماسی عمومی آمریکا، راهبردهایی مانند ایجاد سفارت مجازی، فعالیتهای سایت گذار، استفاده از توییتر و موارد دیگری را در قبال ایران بررسی کرده و معتقدند که دیپلماسی سایبری آمریکا در قبال ایران در دوره اوباما توأم با ناکامی و شکست بوده است. آدسینا (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان «سیاست خارجی در عصر دیپلماسی دیجیتال» به بررسی دیپلماسی دیجیتال، استفاده از رسانه‌های دیجیتال در حوزه دیپلماسی، چگونگی استفاده بازیگران سیاسی از سایبر دیپلماسی و همچنین فرصت‌ها و چالش‌هایی که در این رابطه کشورها با آن مواجه‌اند پرداخته است. اصغری راد (۲۰۱۲)، در رساله دکتری خود با عنوان «دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال ایران در دوره جرج بوش»، دیپلماسی سایبری آمریکا در قبال ایران بویژه مباحث مربوط به صدای آمریکا و رادیو فردا را مطرح و نتایج آن را تحلیل نموده است. با بررسی منابعی چند می‌توان گفت هر یک از نویسندگان، به بررسی یک حوزه ویژه و محدود پرداخته و رابطه بین ابزارها و پیامدهای دیپلماسی سایبری آمریکا در قبال ایران به صورت مشهود بیان نشده است. بنابراین نوآوری پژوهش حاضر در این است که ضمن استفاده از نتایج تحقیقات دیگران، هم به ابزارها و چگونگی سایبر دیپلماسی آمریکا در قبال ایران پرداخته و هم پیامدهای آن را در ابعاد مختلف فرهنگی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده است.

۱- دیپلماسی سایبری و سیاست خارجی کشورها

به دلیل اینکه دیپلماسی سایبری به عنوان شاخه‌ای از دیپلماسی عمومی و زیرمجموعه آن محسوب می‌شود، در ابتدا لازم است به تعریف دیپلماسی عمومی، ویژگیها، ابزارها و چگونگی استفاده از آن در سیاست خارجی پرداخته شود.

۱-۱- دیپلماسی عمومی

به‌طور کلی دیپلماسی مذاکره بین بازیگران به منظور رسیدن به اهداف و منافع خود در روابط بین‌الملل است (Verrekia, 2017). دیپلماسی سنتی شامل مذاکره بین دو یا چند مقام دولتی بود که منجر به اجماع یا تعارض می‌شد. سفیران و نمایندگان دولتها بر مسائل دیپلماسی مانند مذاکره، انعقاد قرارداد و کسب اطلاعات سیطره و انحصار داشتند (Çiçek, 2022). اکنون با پدید آمدن دیپلماسی عمومی به عنوان مجموعه‌ای از فعالیتهای علمی-فرهنگی، رسانه‌ای و تبلیغاتی، طیف وسیعی از بازیگران دولتی و غیردولت برای تأثیرگذاری بر آنها و رسیدن به اهداف نهایی تحت تأثیر قرار می‌گیرند (Gones & Melissen, 2005). در معنای امروزی خود، واژه دیپلماسی عمومی برای اولین بار در سال ۱۹۶۵ توسط ادموند گالیون، ابداع شد (Saliu, 2020). هدف نهایی در دیپلماسی عمومی این است که چهره و تصویر کشور در نزد افکار عمومی جهانی مثبت و موجه جلوه کند (Cho, 2012). ابزارهای اصلی دیپلماسی عمومی شامل تنظیم دستور کار، همگام‌سازی پیامهای اطلاعاتی توسط سازمان‌های دولتی، استفاده از طیف گسترده‌ای از کانال‌های ارتباطی و رویدادهای ویژه با هدف ایجاد اعتماد و روابط پایدار بین بازیگران بین‌المللی است. در این میان از ابزارها و ظرفیتهایی مانند رسانه و تبلیغات، گردشگری، مبادلات عملی و فرهنگی، مسابقات، و انجمنهای تجاری بهره

برده می‌شود (Khorishko & Kovpak, 2021). دیپلماسی عمومی در روند تکامل خود از ظرفیتهای فضای سایبر نیز برخوردار شده، که در چینه‌ای نوین از دیپلماسی، با عنوان دیپلماسی سایبری را به روی دولتها گشوده است.

۱-۲- سایبر دیپلماسی

به لحاظ لغوی، سایبر به معنی مجازی و غیر ملموس بوده و به فناوری رایانه و الکترونیک محور اشاره دارد. فضای سایبر نیز: «یک محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه‌ای سریع و واقعی، فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص خود، در آن زنده و مستقیم روی می‌دهد». فضای سایبر یک حوزه جهانی است که کشورها و شهروندان در سراسر جهان را به شیوه‌های مختلف به هم متصل می‌کند و باعث ایجاد تعاملات و اصطکاک بین آنها می‌شود (Barrinha & Renard, 2017). بنابراین دیپلماسی سایبری «استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی روز برای تبیین، گسترش و ارتقای سطح اثربخشی دستگاه دیپلماسی یک کشور در فضای مجازی است» (Kasper et al, 2021) هدف دیپلماسی سایبری تسهیل ارتباط با افکار عمومی جهانی و اعتمادسازی برای تأمین منافع ملی است. بدین‌منظور سایبر دیپلماسی ابزارهای مختلفی در اختیار دارد: اینترنت یا شبکه‌های رایانه‌ای داخلی سازمانی، سفارت‌خانه‌های مجازی، سایت‌های خبری و شبکه‌های اطلاع‌رسانی، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و همین‌طور روابط شبکه‌ای و الکترونیکی سیاستمداران و دیپلماتهای جهان از جمله این ابزارهاست. تقویت ارتباطات دوطرفه از جذابترین ظرفیتهای فضای سایبر است (Verrekia, 2017). همین ظرفیتهای و امکانات گسترده باعث جلب توجه دولتها به منظور برآورده ساختن منافع و اهداف خود از طریق فضای سایبر در سیاست خارجی شده است.

۱-۳- دیپلماسی سایبری و سیاست خارجی کشورها

با توجه به اهمیت افکار عمومی در سیاستگذاری و همچنین سیاست خارجی دولتها، آنها از رسانه‌های ارتباطی نوین و شبکه‌های اجتماعی برای جلب افکار عمومی بهره می‌گیرند. امروزه فضای سایبر در خدمت تبلیغات سیاسی-دیپلماتیک دولتهاست. فضای سایبر نقش مشروعیت بخشی به سیاست‌های حکومتی و انتقال پیام مسئولان دیپلماتیک به افکار عمومی و توجیه اقدامات دولتها را برعهده دارد. برای موفقیت در عرصه مذاکرات، دولتها از فضای سایبر در لحظه و متناسب با رویدادها و شرایط میز مذاکره بهره می‌برند. اکنون اکثر قدرت‌های جهانی مسائل سایبری را در سیاست‌های خارجی خود ساده‌سازی کرده‌اند، استراتژی‌های سایبری را اتخاذ و دیپلمات‌هایی را برای تعقیب این اهداف استراتژیک منصوب کرده‌اند (Barrinha & Renard, 2017). امروزه به دلیل دسترسی راحت، فوری و گسترده به افکار عمومی، مسئولان از فضای سایبری به عنوان بهترین ابزار برای توضیح سیاست‌های خود بهره می‌برند (Eksi, 2018). همچنین دیپلمات‌ها با استفاده از فضای سایبر به صورت مستقیم با مخاطبان تعامل دارند، موضوعات مختلف و ایده‌های خود را در سراسر جهان تبلیغ کرده و منتشر می‌کنند (Adesina, 2017). دولتها با استفاده از فضای سایبر ارتباطات خود را ارتقا بخشیده و مذاکرات نیز تسهیل شده است. به عنوان مثال نمایندگان دو دولت می‌توانند بدون سفر به نقاط دیگر جهان از طریق ایمیل در ارتباط باشند، یا کشوری مثل امریکا می‌تواند با راه‌اندازی یک وب‌سایت به عنوان سفارت‌خانه مجازی امریکا با مردم ایران در تماس بوده و با حضور در شبکه‌های اجتماعی اینترنتی مانند فیس‌بوک، توئیتر، اینستاگرام و غیره از نظرات و دیدگاه‌های شهروندان ایرانی مطلع شده و حتی پاسخگوی آنان باشد (موحدیان، ۱۳۹۵). همچنین استفاده از دیپلماسی سایبری منجر به افزایش راه‌های مسالمت‌آمیز حل اختلافات و کاهش هزینه‌های مالی و محیطی می‌شود. دیگر نیاز نیست مسئولان کشورها برای برگزاری جلسات به مناطق دوردست سفر کنند. ظرفیت فناوری‌های

مخابراتی مانند Skype و Facetime امکان ارتباط از راه دور را می‌دهد (Verrekia, 2017). با توجه به ظرفیت‌های سایر دیپلماسی در سیاست خارجی، بسیاری از کشورها و از جمله آمریکا از دیپلماسی سایبری در سیاست خارجی خود استفاده می‌کنند.

۲- دیپلماسی سایبری دولت اواما در قبال ایران (۲۰۱۷-۲۰۰۹).

دولت باراک اواما برای انتقال ارزش‌ها و مفاهیم مورد نظر و ایجاد همراهی با اهداف سیاست خارجی خود تلاش نمود رویکرد چندجانبه‌گرایی در پیش گیرد و در این راستا از دیپلماسی سایبری بهره برد.

۲-۱- ابزارهای دیپلماسی سایبری دولت اواما در قبال ایران

شبکه‌های اجتماعی در فرایند جنگ نرم و دیپلماسی عمومی آمریکا علیه ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ در ادامه به چند مورد از ابزارهای دیپلماسی سایبری ایالات متحده که جزو شبکه‌های اجتماعی هستند اشاره می‌شود.

۲-۱-۱- شبکه‌های اجتماعی

صفحه فیس‌بوک اختصاصی وزارت امور خارجه ایالات متحده به زبان فارسی در اوایل سال ۲۰۱۰ راه‌اندازی و این ظرفیت ایجاد شد تا مواضع و دیدگاه‌های مقامات آمریکایی بویژه در مورد رویدادهای مرتبط با ایران، به صورت مستقیم و بی‌واسطه منعکس شود. همچنین مطالبی در مورد وضعیت اجتماعی و فرهنگی دو کشور، بویژه جذابیت‌های علمی، هنری، گردشگری و فرهنگی منعکس می‌شد (مجدی، ۱۴۰۲). همچنین حساب فارسی‌زبان وزارت امور خارجه آمریکا در توئیتر در فوریه سال ۲۰۱۱ راه‌اندازی شد. توئیتر یک شبکه اجتماعی و سرویس دهنده میکروبلاگ است که به کاربران اجازه می‌دهد تا ۲۸۰ حرف، پیام متنی را که توئییت نامیده می‌شود، ارسال کنند. باراک اواما نخستین فردی بود که به این شبکه اجتماعی پیوست (Rouse, 2013). همچنین به منظور تسهیل اشتراک‌گذاری فایل‌های ویدئویی به زبان فارسی، در آوریل ۲۰۱۱ وزارت خارجه آمریکا یک حساب کاربری اختصاصی در سایت به اشتراک‌گذاری یوتیوب راه‌اندازی کرد. بیشتر کلیپ‌هایی که در یوتیوب قرار داده می‌شود مربوط به سیاه‌نمایی اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران، ناهنجاری‌ها و موارد غیر اخلاقی مختلف است. بعلاوه اینکه حساب کاربری وزارت خارجه آمریکا به زبان فارسی از ژانویه ۲۰۱۵ شبکه به اشتراک‌گذاری عکس اینستاگرام را راه‌اندازی کرد که البته فعالیت‌های نامنظم آن محدود به اشتراک‌گذاری برخی عکس‌ها و فیلم‌های ارسال شده در حساب کاربری فیس‌بوک فارسی می‌شود (موحدیان، ۱۳۹۵). در هر صورت این شبکه‌های اجتماعی در سایر دیپلماسی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران به منظور فشار بر نظام سیاسی و جنگ نرم علیه این کشور نقش مهمی ایفا می‌کنند.

۲-۱-۲- وبلاگ‌ها و سایت‌ها

هیلاری کلینتون در راستای طرح کشورداری قرن ۲۱، که در راستای بهره‌گیری از دیپلماسی سایبری آمریکا مطرح شد، تلاش کرد از سایت‌ها و سرویس‌های مجازی مختلفی به منظور دستیابی به اهداف این کشور و تأثیرگذاری بر اذهان عمومی استفاده کند. در ادامه به چند نمونه از این اقدامات اشاره می‌شود.

وبلاگ DipNote که در سال ۲۰۰۷ ساخته شده و وبلاگ رسمی وزارت خارجه ایالات متحده است، به طور رسمی با موضوع کشورداری قرن ۲۱ در سال ۲۰۰۹ شروع به فعالیت کرد. این عنوان مخفف «یادداشت دیپلماتیک» است. اهداف اعلام شده این وبلاگ «شروع گفتگو با مردم»، «فراهم کردن دریچه‌ای به کار افراد مسئول سیاست خارجی»، «بردن افراد به پشت صحنه وزارت امور خارجه» می‌باشد (Storin Linitz, 2007). فلسفه وجود این وبلاگ، پذیرش

بازخورد مثبت و منفی از مشارکت‌کنندگان در آن است. همچنین در این وبلاگ مواردی مانند سفرها، سخنرانی‌ها و اقدامات وزیر امور خارجه، هیلاری کلینتون و کارکنان و دیپلمات‌های این وزارتخانه در سراسر جهان، اطلاع‌رسانی شده و همچنین ترجمه سخنرانی‌های اوپاما به زبان‌های مختلف و به اشتراک‌گذاری آن در اکانت‌های مختلف توئیتر نیز از دیگر اهداف این سایت است. هدف نهایی، قرار دادن دیپلماسی عمومی آمریکا در دسترس عموم و مردمی است که به زبان انگلیسی صحبت نمی‌کنند و دریافت اطلاعات آنها از طریق اینترنت است (Price, 2022).

وزارت امور خارجه آمریکا و دانشگاه کالیفرنیا در سال ۲۰۱۵ وبسایتی با عنوان «فضای عقیده»^۱ راه اندازی کردند که این امکان را فراهم می‌کند که افراد نظرات خود را نسبت به موضوعات مختلف، از سیاست گرفته تا اقتصاد، در آن ثبت کنند. همچنین از همه افراد در سراسر جهان دعوت شده است که در مباحثه و ارزیابی پاسخ دیگران مشارکت کنند. در این وبسایت نظرسنجی نیز صورت گرفته و نتایج به صورت آمار ارائه می‌شود (مجدی، ۱۴۰۲). همچنین در یک اقدام آشکار، آمریکا برای راهبری فعالیت‌های ضد ایرانی خود به صورت منسجم و هدفمند، در دسامبر ۲۰۱۱ اقدام به تأسیس سفارت مجازی کرد که می‌توان از آن به عنوان محور اصلی اقدامات آمریکا ضد ایران در فضای مجازی تعبیر نمود. در این سایت اقداماتی مانند صدور ویزا، بسیاری از وظایف کنسولی، پاسخ به سؤالات در خصوص کشور، همچنین اطلاعات و اخبار قابل رصد و پیگیری است (Metzgar, 2012).

۲-۱-۳- رسانه‌های تصویری در دیپلماسی سایبری ایالات متحده در قبال ایران

در مورد رسانه‌های تصویری می‌توان از وبسایت‌های صدای آمریکا و رادیو فردا نام برد، که در دوره جرج بوش پسر راه‌اندازی و در دوره اوپاما بر حجم برنامه‌ها و بودجه‌های آنها افزوده شد.

۲-۱-۳-۱- صدای آمریکا

وبسایت صدای آمریکا یکی از شبکه‌های تلویزیون ماهواره‌ای و رادیو و تلویزیون دولتی ایالات متحده آمریکا است که برای شنوندگان خارج از آمریکا پخش می‌شود. پخش فارسی رادیو شبکه صدای آمریکا از اول آذر ۱۳۵۸ و پخش تلویزیونی آن از ۲۷ مهر ۱۳۷۵ آغاز به کار کرد (Biener, 2003). تحلیل محتوای برنامه‌های بخش فارسی صدای آمریکا نشان می‌دهد اهدافی از قبیل پاسخگویی سریع به وقایع مربوط به آمریکا با رعایت دیدگاه‌های آمریکایی، حمایت از حقوق بشر، دموکراسی، ارائه سیاست خارجی، تبلیغ فرهنگ و جامعه آمریکایی، و حمایت از دکتترین لیبرال دموکراسی در مقابل دکتترین جمهوری اسلامی، به عنوان موضوع‌های برجسته شده، مدنظر قرار گرفته‌اند. در مورد ایران نیز موضوعاتی از قبیل حقوق بشر، وضعیت زنان، انرژی هسته‌ای، مقایسه دکتترین‌های اسلامی و غربی، اقتصاد ایران، نبود حکومت قانون و جامعه مدنی در ایران و همچنین سیاست خارجی ایران بیشترین مباحث در این رسانه را شکل می‌دهد (موسوی و اصغری‌راد، ۱۳۸۸). بنابراین صدای آمریکا از نظر محتوایی موضوعاتی که خواست دولت آمریکا بوده را برجسته می‌کند. با روی کار آمدن باراک اوپاما، سیاست‌های دوره جرج بوش برای توسعه و تقویت صدای آمریکا به خصوص در حوزه پخش برنامه‌های تلویزیونی و گسترش فعالیت سایت اینترنتی ادامه یافت.

۲-۱-۳-۲- رادیو فردا

در سال ۲۰۰۱، شورای اطلاع‌رسانی آمریکا تصمیم گرفت که رادیویی ۲۴ ساعته به زبان فارسی راه‌اندازی کند. بدین ترتیب در دوره بوش رادیو آزادی جای خود را به رادیو فردا داد (Asgharirad, 2012). تحلیل محتوای مباحث رادیو فردا نشان از این دارد که مطالب مربوط به ایران، و سپس اخبار مربوط به جهان و آمریکا در اولویت کاری این رسانه قرار دارد. مهمترین موضوعات خبری که رادیو فردا پوشش می‌دهد عبارتند از تحلیل و بحث سیاسی، آزادی‌های دموکراتیک و حقوق بشر در ایران، وضعیت زنان، فرهنگ و هنر، کسب و کار و تجارت و اوضاع اقتصادی در ایران، ورزش و سرگرمی، سلامت و موضوعات زیست‌محیطی (طباطبائی و موحدیان، ۱۳۹۶). به منظور حفظ مخاطبانی که در سال‌های اخیر به اینترنت و تلویزیون‌های ماهواره‌ای گرایش داشته‌اند، این رادیو سعی در ارتقای کیفیت وبسایت اینترنتی و بالا بردن امکانات برای تولید برنامه‌های مختلف با مضامین متنوع داشته است (طباطبائی و موحدیان، ۱۳۹۶). بنابراین در دوره اوباما ظرفیت سایت رادیو فردا نیز افزایش یافته است. در مجموع ابزارهای سایبر دیپلماسی آمریکا در دوره اوباما با ظرفیت بیشتری نسبت به دوره جرج بوش در خدمت اهداف ایالات متحده قرار گرفت. در ادامه به پیامدهای فرهنگی و اجتماعی سایبر دیپلماسی آمریکا در دوره اوباما بر جامعه ایرانی پرداخته می‌شود.

۳- پیامدهای اجتماعی و فرهنگی دیپلماسی سایبری آمریکا در جامعه ایرانی

هدف اصلی دیپلماسی سایبری آمریکا در قبال ایران ترویج فرهنگ آمریکایی و ارزش‌های این کشور در جهت ارائه تصویر مطلوب از خود و تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی ایران به منظور رسیدن به اهداف خود در راستای تضعیف و تغییر نظام سیاسی است. بنابراین دیپلماسی سایبری آمریکا سعی کرده است با تبلیغ فرهنگ و ارزش‌های غربی، هویت جوانان ایرانی را دستخوش تغییر کرده و به نوعی در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آنها را دچار استحاله کند. بدین ترتیب این افراد با دور شدن از ارزش‌های اسلامی-ایرانی، به دنباله‌روی از ارزش‌های غربی پرداخته و به نوعی به آمریکا در رسیدن به اهدافش کمک می‌کنند. در این مسیر آمریکا با تبلیغات وسیع، به نوعی به بمباران اطلاعاتی و جنگ تبلیغاتی روی آورده است.

در دوره بوش و اوباما، مقامات وزارت خارجه آمریکا برنامه‌های بسیاری را برای حمایت از اتحادیه‌های صنفی، ناراضیان سیاسی و مذهبی و فعالان حقوق بشر در ایران داشتند و در این مسیر سرمایه‌گذاری‌های زیادی نیز انجام دادند. هدف آنها تغییر فضای ایران بر اساس ارزش‌های دموکراتیک و ارزش‌های فرهنگی آمریکایی بود. مواردی مانند حکومت قانون، جامعه مدنی، فعالیت و آزادی زنان، حقوق بشر، کم‌رنگ شدن نقش دین در سیاست و جامعه بیشتر مد نظر دیپلماسی سایبری آمریکا قرار داشت (ایزدی، ۱۳۹۰). به همین دلیل بیشترین مواردی که در فضای مجازی و رسانه‌های آمریکایی برای ایرانی‌ها پخش و تبلیغ می‌شود مربوط به سیاست خارجی، پیشرفت‌های تکنولوژیک و پزشکی، فیلم‌های هالیوودی، سیاست داخلی، موسیقی، هنر، جغرافیا، آب و هوای آمریکا، حکومت قانون و نفی مذهب‌گرایی و نقش زنان در جامعه و سیاست است (موسوی و اصغری‌راد، ۱۳۸۸). در این بخش هدف بررسی میزان محقق شدن اهداف ایالات متحده در جامعه ایرانی در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی مانند هویت، دموکراسی، نقش زنان در اجتماع و دینداری ایرانی‌ها می‌باشد.

۳-۱- تلاش برای تغییر نگرش نسبت به جامعه ایران

اولین مسئله‌ای که در این زمینه مطرح می‌شود این است که دیپلماسی سایبری آمریکا باید سعی کند مخاطبین خود را نسبت به جامعه ایران دلسرد و بدبین کند. این کار از طریق بزرگ‌نمایی مشکلات داخلی در ایران و مقایسه ایران با



کشورهای پیشرفته و آزادی‌های اساسی که در این کشورها وجود دارد نشان داده می‌شود. در واقع دیپلماسی سایبری سعی دارد نقاط ضعف و مشکلات مردم را پیدا نموده و آن را بزرگنمایی و تکرار کند. تحقیقات نشان داده است که افرادی که در معرض دیپلماسی سایبری امریکا قرار دارند بیشتر از دیگر افراد نسبت به جامعه ایران دلسرد و بدبین هستند و بیشتر به کشورهای غربی و امریکا با نگرش مثبتی نگاه و تفکر می‌کنند. در این زمینه تحقیقات زیادی انجام شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

در تحقیقی که حاج زرگرباشی و موحدیان (۱۳۹۷) در مورد میزان تأثیر صفحه فیس بوک وزارت خارجه امریکا بر کاربران ایرانی این صفحه داشته‌اند، مشخص شد که میزان استفاده، فعالیت و مشارکت و اعتماد به صفحه فیس‌بوک فارسی وزارت خارجه امریکا بر نوع نگرش کاربران نسبت به جامعه ایران تأثیرگذار بوده و با افزایش این مؤلفه‌ها، بر میزان نگرش منفی کاربران نیز افزوده شده است. نوع نگرش کاربران نسبت به جامعه ایران نسبت به میزان استفاده از این صفحه ۱۲ درصد تأثیر دارد. در نهایت کاربرانی که از این صفحه استفاده کرده‌اند، نسبت به افراد غیرکاربر، نگرش منفی‌تری نسبت به جامعه ایرانی داشته‌اند (حاج زرگرباشی و موحدیان، ۱۳۹۷). آمارها نشان می‌دهد که ضریب نفوذ فیس‌بوک در میان کاربران ایرانی ۶۸/۵ درصد است (صیاد و دیگران، ۱۳۹۹). در تحقیقی دیگر، طباطبائی و موحدیان (۱۳۹۶)، برای سنجش دیدگاه‌های کاربران رادیو فردا در مورد مسائل مختلف ایران، در قالب ارسال پرسشنامه برای آنها و تحلیل و ارزیابی پاسخ‌های آنان، به این نتیجه رسیده‌اند که کاربران سایت رادیو فردا، در مورد جامعه ایران و مسائلی مختلفی مانند سیاست خارجی ایران، عملکرد نظام قضایی در ایران، آزادی بیان در ایران، تبعیض نسبت به زنان و فعالیت‌های آزادانه فرهنگی و اجتماعی، نسبت به افراد غیرکاربر، نگرش منفی‌تری داشته‌اند. افراد غیر کاربر به مراتب نگرششان مثبت‌تر بوده است (طباطبائی و موحدیان، ۱۳۹۶). همچنین طباطبائی و دیگران (۱۳۹۵)، در تحقیقی که بر روی مخاطبان ایرانی فضای مجازی نسبت به تأثیر سایت صدای امریکا داشته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که نگرش کاربران این سایت به وضعیت جامعه ایرانی در ابعاد و حوزه‌های مختلف، نسبت به افراد غیر کاربر به مراتب منفی‌تر بوده است. البته غیرکاربران نیز نسبت به وضعیت اقتصادی نگرش منفی داشته، ولی نگرش منفی کاربران شدیدتر بوده است (طباطبائی و دیگران، ۱۳۹۵).

سلیمانی و رضائاد (۱۴۰۲)، در تحقیقی به نقش شبکه‌های بی‌بی‌سی، رادیو فردا و صدای امریکا در شکافهای قومی در ایران پرداخته‌اند. نویسندگان به منظور دریافت چگونگی تصویری که این رسانه‌ها از رابطه اقوام با ساخت سیاسی منعکس می‌کنند، به تحلیل محتوای کمی و کیفی بخش فارسی این رسانه‌ها در یک بازه ۱۰ ساله از ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که این رسانه‌ها در تلاش برای القای وجود تبعیض سیستماتیک در رابطه با اقوام ایرانی با حکومت مرکزی در حوزه‌های متفاوت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی، اجتماعی هستند که مسلماً تأثیرات زیادی بر اقوام داشته است. بدیهی است که فضای سایبری امریکا قصد به چالش کشیدن مشروعیت نظام جمهوری اسلامی را دارد و در این مسیر مدعی مواردی مانند نقض حقوق بشر، نبود دموکراسی و آزادی بیان، استبداد در ایران، محدودیت اقوام، شکاف بین ملت و حکومت و نبود آزادی انتخابات است و این موارد را مطرح، تبلیغ و برجسته‌سازی می‌کند. تحقیقات در حوزه‌های مختلف نشان داد که سایر دیپلماسی امریکا در قبال ایران با موفقیت همراه بوده است. در ادامه به تحقیقاتی دیگر در زمینه‌های اشاره می‌شود.

۳-۲- تأثیر دیپلماسی سایبری امریکا بر هویت جامعه ایرانی

مسئله دیگر در تلاش دیپلماسی سایبری امریکا در قبال ایران، استحاله فرهنگی و کم اهمیت کردن هویت ایرانی و اسلامی در بین جوانان ایرانی است. در این مسیر سعی شده است جذابیت‌های فرهنگ غربی و محدودیت‌ها و مشکلات فرهنگ و جامعه ایرانی در فضای سایبر مطرح و تکرار شود تا به تدریج جوانان ایرانی هویت اصیل ایرانی خود را به فراموشی سپرده و به هویت‌های غربی نزدیک شوند. در این زمینه تحقیقات زیادی صورت پذیرفته که به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

عدلی‌پور و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان «شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی جوانان»، نشان دادند که هرچه کاربران در این صفحه بیشتر مشارکت داشته، مدت زمان عضویتشان بیشتر شده و استفاده بیشتری از این صفحه بکنند، به میزان بیشتری هویت ملی آنها تضعیف شده است. نویسندگان رابطه معنادار مثبتی بین واقعی تلقی کردن محتوای مطالب فیس‌بوک و هویت ملی کاربران مشاهده نمودند. در این بررسی نشان داده شده که افرادی که از تکنولوژی‌های فضای سایبری استفاده می‌کنند هویت ملی ضعیف‌تری نسبت به کسانی که از این فناوری‌ها استفاده نمی‌کنند، دارا هستند. عدلی‌پور و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیقی تأثیر شبکه اجتماعی فیس‌بوک بر هویت بازاندیشانه دانشگاه تبریز را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که این شبکه اجتماعی هویت بازاندیشانه کاربران را تقویت کرده است. بر اساس اظهار نویسندگان، امکانات و قابلیت‌های این شبکه مجازی باعث افزایش دامنه تعاملات کاربران در فضای مجازی و در پی آن باعث افزایش اطلاعات، سرمایه اجتماعی و قدرت نمادین کاربران می‌شود. این مسائل باعث دگرگون کردن پنداشت کاربران جوان ایرانی از کیستی و چیستی خود، دیگران و جهان پیرامونشان و به تدریج باعث تحول در هویتشان می‌شود. این هویت در نهایت بالنسبه سیار، ناپایدار، بازاندیشانه و متکثر و به اذعان نویسندگان هویت مدرن و یا بازاندیشانه است. عالمی (۱۳۹۲)، در تحقیقی به این یافته رسید که فیس‌بوک هویت سیاسی جوانان ایرانی را با تهدید مواجه ساخته و بین هویت سیاسی جامعه با بنیانهای هویت ملی شکاف ایجاد کرده است. تحقیق وی که در سه سطح ساختار سیاسی، جامعه سیاسی و هیأت حاکمه به انجام رسید نشان می‌دهد که فیس‌بوک رفتار نظام موجود را استبدادی، امنیتی و نامشروع ترسیم می‌کند. در سطح جامعه نیز سبب کم رنگ شدن اعتقادات مذهبی کاربران، شکاف بین هویت دینی و هویت ملی، نافرمانی مدنی مردم در مقابل نظام سیاسی، دفاع از جدایی‌طلبی قومی، حمایت از تهاجم خارجی به منظور فروپاشی نظام سیاسی و کم شدن همبستگی ملی شده است. در سطح هیأت حاکمه نیز سبب در ترسیم ناکارآمدی مسئولان و نظام سیاسی، بی توجهی آنها به مشکلات ملت، و آرزوی بازگشت رژیم پهلوی می‌گردد.

ذولفقاری و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیقی کارکرد شبکه‌های اجتماعی در سبک زندگی در دو تمدن اسلامی-ایرانی و غربی را مورد مقایسه قرار داده‌اند. به اعتقاد نویسندگان شبکه‌های اجتماعی در دو سطح فکری و رفتاری ایفای نقش کرده‌اند. در سطح اول باورها و ارزشها و همچنین روحیه‌ها و ملکات روحی را به ناخودآگاه جمعی منتقل کرده و در ادامه وقتی که مبانی فکری و احساسات جمعی تغییر یافت، باعث تغییر رفتار می‌شوند. این تغییرات در نهایت باعث ایجاد سبک زندگی جدیدی می‌شود. بر اساس یافته‌های این تحقیق، مبانی فکری غربی و اومانیسم توسط شبکه‌های اجتماعی منتقل می‌شود. آنها باعث تزریق فلسفه وجودی اومانیسم و باعث توجه کاربران به مواردی مانند عقل حسی-تجربی، لذت‌گرایی، نتیجه‌گرایی و سرمایه‌سالاری شده‌اند. نتیجه کلی تحقیق نویسندگان این است که شبکه‌های اجتماعی سبک زندگی غربی و رفتارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مبتنی بر آن را شکل داده و ترویج می‌کنند. مسئله بعد که در راستای دیپلماسی سایبری امریکا در قبال ایران برای این کشور بسیار مهم ارزیابی می‌شود، مسئله دین‌داری در

بین جوانان ایرانی است. این مسئله از آن جهت مهم است که پایه و اساس حکومت جمهوری اسلامی و مشروعیت این حکومت بر مبنای دین قرار دارد، و هرچه از میزان دین‌داری جوانان ایرانی کاسته شود، در واقع پایه‌های این نظام دینی سست‌تر شده و مشروعیت و اقتدار خود را نیز از دست می‌دهد. بنابراین دیپلماسی سایبری ایالات متحده در راستای تضعیف هویت دینی جوانان ایرانی تلاش زیادی مصروف کرده است.

۳-۳- تأثیر دیپلماسی سایبری امریکا بر دینداری جامعه ایرانی

دین به منزله پدیده‌ای پویا، مهمترین رکن هویت فرهنگی و اجتماعی در جامعه در حال گذار ایران است و نقش مهمی در شکل‌دهی به هویت جوانان دارد (رستمی و دیگران، ۱۳۹۶). قبل از ظهور رسانه‌های نوین و فضای مجازی، همچنین وبلاگها، دین و انواع دینداری، تحت سلطه قرائت گفتمان رسمی قرار داشت. با اجتماعی شدن حوزه عمومی در نتیجه وسعت یافتن شبکه‌های اجتماعی، دینداری در انواع مختلف، قالبها و شکلهای متنوع و نوین ظهور یافته است (عدلی‌پور و دیگران، ۱۳۹۴). شبکه‌های اجتماعی ارزش‌های اجتماعی را متحول ساخته و دگرگونی گسترده‌ای را در شیوه‌های شکل‌گیری هویت دینی افراد و گروه‌های جامعه به وجود آورده‌اند. در ادامه به نتایج تحقیقاتی چند در مورد تأثیر شبکه‌های اینترنتی بر دین‌داری ایرانی‌ها، بویژه جوانان پرداخته اشاره می‌شود.

یافته‌های قاسمی و همکاران (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان «تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان»، که تحقیقی بر روی جوانان شهر اصفهان به عنوان مطالعه موردی صورت گرفته، نشان می‌دهد که هرچه بر میزان عضویت، استفاده، مشارکت و فعالیت کاربران در استفاده از فضای مجازی افزوده گردد، به همان میزان از میزان هویت دینی جوانان کاسته می‌شود. عدلی‌پور و سپهری (۱۳۹۲)، در تحقیقی تأثیر فیس‌بوک را بر میزان دینداری دانشجویان دانشگاه تهران مورد سنجش قرار داده‌اند. نتایج حکایتی از تضعیف دینداری کاربران دارد. شدت و ضعف این مسئله نیز در ارتباط نزدیکی با مدت عضویت، میزان استفاده، مشارکت، فعالیت و همچنین میزان واقعی تلقی کردن مطالب آن از سوی کاربران دارد. با افزایش این متغیرها، مؤلفه‌های دین‌داری بیشتر تضعیف شده و ماهیت انتخابی بیشتری پیدا می‌کنند. به اظهار نویسندگان، با توجه به تحت تأثیر بودن فضای سایبری از فرهنگ غرب، تهدید زیادی برای جوانان شکل می‌گیرد، زیرا که دین‌داری جوانان فاقد استحکام نظری و معرفتی بوده و قرار گرفتن در فضای مخدوش‌کننده ابعاد رفتاری دین، به دلیل ضعف پایه‌های معرفتی، آسیب زیادی متوجه دین‌داری آنها می‌شود. باید توجه داشت که استفاده رایج از فیس‌بوک و فضای مجازی حالتی ارتباطی و تفریحی دارد که منطبق بر آموزه‌های دین نیست، که در نهایت بر دینداری کاربران تأثیر منفی می‌گذارد. قنبریان و دیگران (۱۳۹۵)، در پژوهش خود با عنوان «بررسی تأثیر مصرف فضای مجازی بر دینداری و ارزش‌های خانواده، مطالعه موردی اصفهان»، به این نتیجه رسیدند که خانواده، دین و شبکه‌ها و فضای مجازی در عمل و حتی در تحلیل نظری در هم تنیده و مرتبط هستند، به صورتی که تغییرات در هر یک منجر به تغییر در دیگری می‌شود. به اعتقاد نویسندگان آنچه در ارتباط با شبکه‌ها و فضای مجازی و خانواده و دین‌داری لزوم مسئله‌یابی را مطرح می‌کند تأثیری است که شبکه‌ها و فضای مجازی در مرحله کانالیزه کردن فرهنگ و ارزش‌ها دارد. از این رو با افزایش میزان مصرف شبکه‌ها و فضای مجازی این تأثیرگذاری بیشتر منفی می‌شود. نتایج بررسی نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی، سیاست‌های تفریحی و سرگرمی تأثیر منفی بر دین‌داری و همچنین پایبندی ارزشی افراد دارد. باورهای دینی و اعتقادات مذهبی افراد در نتیجه تأثیرگذاری فضای مجازی کم شده است. بنابراین به اعتقاد نویسندگان اگرچه اینترنت نمی‌تواند بر دینداری افراد تأثیری داشته باشد، اما استفاده از شبکه‌های

مجازی باعث کاهش دینداری افراد گشته است. در مورد میزان پایبندی به ارزش‌های خانواده نیز نتایج حاکی از کاهش میزان پایبندی به ارزش‌های خانواده در صورت افزایش میزان استفاده از شبکه‌های مجازی است.

بر اساس نتایج پژوهش میرفردی و دیگران (۱۳۹۶)، با عنوان «میزان دین‌داری و ارتباط آن با استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه یاسوج)»، می‌توان گفت اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، فی‌نفسه دینداری را کاهش نمی‌دهند، بلکه ابزاری ارتباطی هستند که نوع محتوای آن‌ها و نوع کاربرد و استفاده از آن‌ها، پیامدهایی را برای دینداری کاربران دارد، به‌گونه‌ای که برخی از محتواها و نوع کاربری‌ها- که در دوران کنونی بخش در خور توجهی از محتواها را به خود اختصاص داده است- باعث کاهش تقویت دینداری آن‌ها می‌شود؛ بنابراین با استناد به پژوهش حاضر می‌توان به این نتیجه رسید که ممکن است شبکه‌های اجتماعی اینترنتی فوایدی در بر داشته باشند؛ ولی با توجه به محتوای مطالب مورد استفاده و نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی، بر کاهش دینداری جوانان تأثیر بسزایی دارند و این واقعیت می‌تواند برای وضعیت عقیدتی و معنوی جامعه، آسیب‌زا باشد. در کل می‌توان گفت هر چه از سالهای ابتدایی پیروزی انقلاب فاصله می‌گیریم به دلایل مختلف، از جمله پدیده جهانی شدن اطلاعات و ارتباطات، و همگانی شدن ابزارهای اطلاع‌رسانی و همچنین متأثر از دیپلماسی عمومی و سایبری کشورهای غربی، بویژه امریکا، از نقش دین در زندگی مردم کاسته شده است. اکنون جوانان و نسل‌های جدید نسبت به نسل‌های قبل و جوانان اوایل انقلاب که میان‌سالان جامعه امروز را در بر می‌گیرند، دین‌داری کمتری دارند و این مسئله نشان می‌دهد که جوانان متأثر از دیپلماسی عمومی و سایبری و تحت تأثیر فرهنگ و ارزشهای نوین غربی قرار گرفته‌اند. مسئله بعد مربوط به نقش زنان در جامعه است. از آنجا که زنان ایرانی در طول سالیان دراز در دوره معاصر در جامعه با محدودیت‌های زیادی به سر برده‌اند، دیپلماسی سایبری ایالات متحده سعی دارد این طور القا کند که این دین و مذهب و حکومت دینی است که باعث ایجاد محدودیت‌هایی برای زنان ایرانی شده، و با ترویج فرهنگ غربی و نشان دادن آزادی‌ها و موفقیت‌های زنان در جوامع غربی، سعی کرده‌اند نگرش زنان ایرانی را به دین، حکومت دینی و هویت ایرانی-اسلامی تضعیف کنند. در این راستا تحقیقات زیادی صورت پذیرفته است که در ادامه به چند نمونه از آنها اشاره می‌شود.

۳-۴- تأثیر دیپلماسی سایبری ایالات متحده بر زنان جامعه ایرانی

در اثر دگرگونی‌هایی که در سطح جهانی و ملی رخ داده است، نقش زنان در نهاد خانواده و نهادهای شغلی، تغییراتی قابل توجه داشته است و در اثر پیدایش ارزش‌ها و نگرش‌های جدید در میان زنان، مقاومت‌هایی از جانب آنان، چه در عرصه خانواده و چه در عرصه‌های مختلف اجتماعی، به صورت مبارزات فرهنگی شکل گرفته است. فضای سایبری تثبیت این هویت‌ها را از طریق شناسایی و تأیید دیگران هدف خود قرار داده است. افزایش تحصیلات زنان و همچنین اشتغال آنها، از سویی سبب کاهش مطلوبیت الگوی زن سنتی و از سویی دیگر سبب دشواری در هماهنگ کردن نقش‌های سنتی با نقش‌های جدید و بحران هویتی زنان شده است که در این میان هویت زنان بازتعریف می‌شود. در این راستا زنان ایرانی به تدریج در سطوح وسیع به تأمل و بازاندیشی درباره موقعیت‌ها و هویت‌های اجتماعی سنتی خود پرداخته‌اند. از این رو با توجه به گسترش فضای سایبر و تکنولوژی‌های نوین در میان جامعه ایرانی، محیطی در اختیار جامعه قرار گرفته است که به راحتی می‌توان از آن اطلاعات استخراج کرد، برای دیگران فرستاد، تصاویر و فیلم‌هایی را مشاهده نمود و در فضایی به تعامل پرداخت که به هیچ‌وجه امکان محدود کردن آن وجود ندارد (پیشگاهی‌فرد و دیگران، ۱۳۸۹).

در این رابطه پیشگاهی فرد و دیگران (۱۳۸۹)، تحقیقی با عنوان «تعامل در فضای سایبر و تأثیر آن بر هویت زنان در ایران (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه تهران)»، انجام داده‌اند. در این تحقیق جامعه آماری از دانشجویان دختر دانشگاه تهران انتخاب شده و با روش پرسشنامه این تحقیق صورت گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که بیشتر پرسش‌شوندگان معتقدند که فضای سایبر در گسترش فرهنگ غربی تا حدود زیادی موفق بوده است. در حالی که این گروه معتقدند که فرهنگ اسلامی نسبت به فرهنگ غربی از طریق اینترنت گسترش و نفوذ کمتری داشته است. در صد قابل توجهی از آنها بر این باورند که فضای سایبری موجب شده که کشورشان نسبت به کشورهای غربی از لحاظ تکنولوژیکی در سطح پایین‌تری قرار بگیرد. در میان امکانات اینترنتی، در این مقطع زمانی (۱۳۸۹)، ایمیل بیشترین استفاده را در میان دانشجویان دختر به خود اختصاص داده است. در مرتبه بعدی علاقه برای ایجاد وبلاگ شخصی، گفتگو در فضای چت روم و در آخر جستجو برای پیدا کردن شغل در مرورگرها فعالیت در فضای اینترنتی را نشان می‌دهد (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۸۹). به طور کلی در مورد استفاده از فضای سایبر در بین زنان و پیگیری حقوق زنان و ایجاد وبلاگ و سایر موارد مربوط به مسائل هویتی زنان رابطه مستقیمی وجود دارد. از این رو می‌توان استدلال کرد که زنان که در جامعه سنتی ایران کمتر با حقوق خود آشنا بوده‌اند، امروزه با عضویت در سایت‌های مختلف مربوط به زنان و یا ایجاد وبلاگ‌های مختلف برای ابراز عقاید خود، هویت‌های جدیدی به دست آورده‌اند (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۸۹). زنان در نوشتن وبلاگ، آنچه در دنیای واقعی بواسطه زن بودن از آن منع شده بودند را بروز می‌دهند و از آنجا که همواره فرصت‌ها و محدودیت‌های زنان و مردان متفاوت بوده است، علاقه به شنیدن صدای زنان چون صدایی است که کمتر شنیده شده بیشتر است. از تحلیل ده وبلاگ محبوب ایرانی نیز نتیجه‌ای مشابه به دست می‌آید. بر اساس اعلام بلاگ رولینگ، فهرست ۱۰ وبلاگ محبوب ایرانی به این ترتیب است: زیتون، زن نوشت، خورشید خانم، خوابگرد، سردبیر: خودم، زهرا، سرزمین آفتاب، نوشی و جوجه‌هایش، بهنودی دیگر و الپر. از میان این فهرست، ۶ وبلاگ به نوشتن خاطرات روزمره اختصاص دارد و همگی توسط زنان نوشته می‌شوند. این مسئله نشان می‌دهد زنان ایرانی در عرصه وبلاگ‌نویسی، در بیان احساسات، علایق و دغدغه‌های خود موفق شده‌اند. نکته‌ای دیگر در مورد این وبلاگ‌ها این است که همگی از طرفداران حقوق زنان هستند و نه تنها خوانندگان زن، بلکه خواننده، نظر دهنده و لینک کننده مرد نیز دارند. با توجه به این تحلیل‌ها به نظر می‌رسد که وبلاگ‌نویسی، امکان مناسبی برای حضور زنان در عرصه تولید محتوای فرهنگی به وجود آورده است. بنابراین، در این زمینه، تبعیضاتی که علیه زنان در سایر بخش‌های جامعه و محتوای رسانه‌ای وجود دارد، مشاهده نمی‌شود. این عدم تبعیض، خود یکی از وجوه تحقق آزادی فرهنگی است که یکی از شاخص‌های مهم توسعه فرهنگی محسوب می‌شود (منتظر قائم و نزاکتی، ۱۳۸۹). بنابراین مشخص می‌شود که فضای سایبری و امکانات و ظرفیت‌های آن بر زنان جامعه نیز تأثیر گذاشته و آنها خواهان بازتعریف نقش خود در جامعه و دریافت موقعیت‌ها و امتیازات جدیدی هستند که در سایر جوامع برای زنان وجود دارد.

نتیجه‌گیری

پیشرفت فناوری و امکان‌پذیر شدن تبادل اطلاعات و برقراری ارتباط از طریق اینترنت، منجر به شکل‌گیری شاخه‌ای مهم از دیپلماسی عمومی موسوم به سایبر دیپلماسی یا دیپلماسی دیجیتال شد. شاید مهمترین جلوه دیپلماسی سایبری گسترش و انتشار اخبار و اطلاعات از طریق فناوری‌های نوین ارتباطاتی و رسانه‌های برخط باشد که روابط بین دولتها در

عرصه منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی را که پیشتر توسط دیپلماتها انجام می‌گرفت به روابطی چندجانبه تبدیل کرده است. ایالات متحده خود در حوزه سایبری پیشگام بوده، بویژه نسبت به کشورهای رقیب و متخاصم در حوزه روابط بین‌الملل از سایبر دیپلماسی استفاده می‌کند. در مورد ایران نیز سایبر دیپلماسی امریکا جهت ارائه جذابیت‌های فرهنگی، تفریحی و اقتصادی و سیاسی امریکا و بزرگ‌نمایی مشکلات و محدودیت‌های جامعه ایرانی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در دوره اوباما به کار رفته است. بازنمایی فرهنگی-اجتماعی این مسائل در جامعه ایران خود را در تضعیف هویت جوانان ایرانی و کاربران فضای مجازی، تضعیف هویت دینی و تأثیراتی بر روی هویت زنان ایرانی نشان داده است. بررسی تحقیقات مختلف در زمینه اجتماعی و فرهنگی نشان داد نگرش مخاطبان فضای مجازی در مورد ارزش‌های ایرانی و اسلامی، مذهب و نقش سنتی زنان در جامعه، نسبت به افرادی که مخاطب فضای سایبر نیستند، منفی‌تر است و این افراد مستعد هستند که در جهت اهداف و تبلیغات امریکا در حوزه سایبر گام بردارند.

نتایج پژوهش‌های مطرح شده نشان می‌دهد که استفاده از فضای سایبر، بویژه فیس‌بوک -که رسانه‌ای قدیمی‌تر محسوب می‌شود، و بویژه در دوره جرج بوش و اوباما که محور بررسی پژوهش حاضر است، سایر ابزارهای فضای سایبری و شبکه‌های اجتماعی به شکل امروزی رواج نداشته‌اند- هویت شخصی، اجتماعی و دینی افراد را متأثر می‌سازد و در دگرگونی هویت سنتی و پیشین و پذیرش هویت مدرن نقش ایفا می‌کند. تعلق به هویت‌های جمعی در اثر استفاده از رسانه‌های نوین ارتباطی کم می‌شود. از مهمترین این هویت‌های جمعی می‌توان به هویت ملی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی اشاره کرد. به‌طور کلی شواهد و بررسی‌ها نشان می‌دهد که فضای سایبر دامنه تجارب و فرصت‌های مخاطبان را وسعت بیشتری می‌بخشد، زیرا مجموعه گسترده‌ای از اطلاعات را به آنها ارائه می‌دهد. این مسئله سبب می‌گردد که کاربران خود را در زمان و مکان دیگری بیابند. جدا شدن از زمان و مکان باعث آشنا شدن با فرهنگ‌های متفاوت، و یادگیری سبک‌های فکری و فرهنگی متفاوت می‌شود. همچنین از آنجا که ایجاد کنندگان و پیام فرستادگان و برنامه‌سازان فناوری‌های نوین ارتباطاتی و اطلاعاتی عمدتاً ایالات متحده امریکا است و این موارد در راستای دیپلماسی عمومی و دیپلماسی سایبری این کشور قرار دارد، تعجبی هم ندارد که دیپلماسی سایبری آنها هویت فرهنگی و ملی کشورهای مصرف کننده را تحت تأثیر قرار دهد و تضعیف نماید. در مجموع می‌توان گفت امریکا در حوزه سایبر دیپلماسی در قبال ایران با موفقیت عمل کرده است. در مقابل جمهوری اسلامی نیز باید اقدامات احتیاطی به عمل آورده و به جای مقابله با جهانی شدن اینترنت و فضای سایبر، در کنار تحولات جهانی قرار گرفته و در کنار آن حرکت کند.

سرعت گرفتن تحولات در فضای سایبری، افزایش تعداد بازیگران تأثیرگذار و امکان اعمال قدرت آنها با استفاده از ابزار متنوع سایبری در حوزه دیپلماسی به معنای کاهش کنترل بر رویدادها، تحولات روزمره و ضروری بودن ابداع مهارت‌ها و ساختارهای جدید و سازگار نمودن ساختارهای قدیمی مورد استفاده با تحولات جدید است. در این شرایط وزارت امور خارجه و دیپلمات‌های ایرانی باید رویکردهای شبکه‌ای را گسترش دهند، فرآیندهای کاری خود را با زمین بازی در حال تغییر تطبیق دهند و استراتژی‌های خود را به گونه‌ای بازنویسی کنند که با مشارکت تعداد زیادی از بازیگران در فضای سایبر قابل اجرا باشد. در داخل نیز دولت و حکومت جمهوری اسلامی می‌باید اولاً همگام با تحولات جهانی علاوه بر مبارزه با تبلیغات سوء دشمنان، با تساهل فرهنگی و ارزشی بیشتری مبادرت ورزد، و در ثانی سعی در حل مشکلات اقتصادی و معیشتی جوانان و دغدغه‌های آنها بویژه دغدغه‌های معیشتی و فرهنگی زنان داشته باشد. به نظر می‌رسد بین نارضایتی اقتصادی و گرایش به اهداف دشمنان رابطه مستقیمی وجود دارد و هرچه مشکلات اقتصادی مردم

بیشتر باشد، نارضایتی‌های فرهنگی و اجتماعی نیز بیشتر شده و گرایش به اهداف دشمنان بیشتر می‌شود. می‌باید از فضای مجازی و دیپلماسی سایبری درس گرفته شود، زیرا در این فضا است که می‌توان به مشکلات و محدودیتها و نقاط ضعف پی برد. از این جهت است که می‌توان با رفع موانع و مشکلات، نه تنها باعث ناکام گذاشتن اهداف دیپلماسی سایبری بدخواهان انقلاب شد، بلکه جامعه ایرانی را با تمایل و اشتیاق زیادتری به فرهنگ اصیل ایرانی-اسلامی سوق داد.

فهرست منابع

الف: منابع فارسی

- ایزدی، فؤاد، ساختارشناسی و هدف‌شناسی دیپلماسی عمومی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در زمان جرج دبلیو بوش، مطالعات جهان، سال ۱، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۰، ۱۷۳-۱۲۷.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا، انصاری‌زاده، سلمان، کرمی، افشین، پرهیز، فریاد، تعامل در فضای سایبر و تأثیر آن بر هویت زنان در ایران (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه تهران)، زن در توسعه و سیاست، سال ۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹، ۲۰۹-۱۸۹.
- حاج زرگرباشی، سید روح‌الله، موحدیان، احسان، سایبر دیپلماسی دولت آمریکا؛ تأثیر صفحه فیس‌بوک وزارت امور خارجه آمریکا بر نگرش کاربران ایرانی نسبت به جامعه ایران، مطالعات رسانه‌های نوین، سال ۴، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۹۷، ۱۱۰-۷۲.
- ذولفقاری، عاطفه، حجازی، سیدرضا، رازی، سمیرا، ۱۳۹۲، مقایسه کارکرد شبکه‌های اجتماعی در سبک زندگی در دو تمدن اسلامی-ایرانی و غربی، مجموعه مقالات همایش تخصصی شبکه‌های اجتماعی، به کوشش مسعود اسدپور و جلال غفاری، تهران: پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات جهاد دانشگاهی.
- رستمی، محمد، جمیلی، روزیتا، نشاط، الهه، فرقانی، محمدرضا، بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر فرهنگ و باورهای دینی (هویت) کاربران، مطالعه موردی: کاربران استان اصفهان، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد واحد شوشتر، سال ۱۱، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، ۷۲-۴۵.
- سلیمانی، غلامعلی، رضائاد، زهرا، بررسی رابطه جنگ نرم و شکافهای قومی در جمهوری اسلامی ایران: مطالعه موردی نقش شبکه‌های بی‌بی‌سی، رادیو فردا و صدای آمریکا، مطالعات قدرت نرم، سال ۱۳، شماره ۱، تابستان ۱۴۰۲، ۱۲۴-۹۹.
- صیاد، محمد کاظم، امینی، آرمین، طاهری، ابولقاسم، تهدیدهای سایبری و اقدامات امنیتی در فضای مجازی؛ بررسی رویدادهای ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی، سال ۱۰، شماره ۳۸، زمستان ۱۳۹۹، ۳۳۰-۲۹۳.
- طباطبائی، سید محمد، سلیمی، حسین، موحدیان، احسان، تأثیر سایبر دیپلماسی آمریکا بر دیدگاه کاربران ایرانی فضای مجازی (مورد مطالعه: سایت صدای آمریکا)، مطالعات رسانه‌های نوین، سال ۲، شماره ۶، تابستان ۱۳۹۵، ۱۶۱-۱۲۲.
- طباطبائی، سید محمد، موحدیان، احسان، تأثیر سایبر دیپلماسی آمریکا بر دیدگاه کاربران ایرانی فضای مجازی (مورد مطالعه: سایت رادیو فردا)، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۵، شماره ۲۰، بهار ۱۳۹۶، ۸۸-۵۸.
- عالمی، حمزه، ۱۳۹۲، فیس‌بوک، تهدید بر هویت سیاسی جامعه ایران، مجموعه مقالات همایش تخصصی شبکه‌های اجتماعی، به کوشش مسعود اسدپور و جلال غفاری، تهران: پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات جهاد دانشگاهی.
- عدلی‌پور، سپهری، آسیه، ۱۳۹۲، تأثیر فیس‌بوک بر میزان دینداری دانشجویان دانشگاه تهران، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، جلد ششم، به کوشش محمد نصیری و محمدرضا بحرانی، بوشهر: مؤسسه سفیران فرهنگی مبین.
- عدلی‌پور، صمد، قاسمی، وحید، کیانپور، مسعود، شبکه اجتماعی فیس‌بوک و هویت ملی جوانان، مطالعات ملی، سال ۴، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، ۱۶۸-۱۴۲.

عدلی پور، صمد، میرمحمد تبار، سید احمد، یزدخواستی، بهجت، تحلیل ثانویه تحقیقات موجود درباره شبکه اجتماعی فیس‌بوک، جوانان ایرانی و نظم جامعه، دین و ارتباطات، سال ۲۲، شماره ۴۸، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، ۸۷-۱۱۶.

عدلی پور، صمد، یزدخواستی، بهجت، خاکسار، فائزه، شبکه اجتماعی فیس‌بوک و شکلگیری هویت بازاندیشانه در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، پژوهش‌های ارتباطی، سال ۲۰، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، ۱۰۱-۱۲۸.

قاسمی، وحید، عدلی پور، صمد، کیان پور، مسعود، تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان؛ مطالعه موردی فیس‌بوک و جوانان شهر اصفهان، دین و ارتباطات، سال ۱۹، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱، ۳۶-۵.

قنبریان، علی، درویشی، مریم، بررسی تأثیر مصرف فضای مجازی بر دین‌داری و ارزش‌های خانواده، مطالعه موردی اصفهان، جامعه‌شناسی سبک زندگی، سال ۲، شماره ۸، زمستان ۱۳۹۵، ۲۵۴-۲۱۹.

مجدی، رضا، ۱۴۰۲، دیپلماسی سایبری ایالات متحده آمریکا در قبال ایران از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۲، تهران: نشر شهر.

منظر قائم، مهدی، نزاکتی، فرزانه، نقش وبلاگ‌نویسی در توسعه فرهنگی ایران، مطالعات رسانه‌ای، سال ۵، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۹، ۶۲-۸۵.

موحدیان، احسان، ۱۳۹۵، مطالعه تأثیر سایبر دیپلماسی آمریکا بر دیدگاه کاربران ایرانی فضای مجازی، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

موسوی، سیدعلی، اصغری‌راد، جواد، بخش فارسی صدای آمریکا: توفیق یا شکست رسانه تلوزیونی در دیپلماسی عمومی، تحقیقات فرهنگی، سال ۲، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۸، ۱۶۵-۱۵۳.

میرفردی، اصغر، مختاری، مریم، ولی‌نژاد، عبدالله، میزان دینداری و ارتباط آن با استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه یاسوج)، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، ۱۶-۱.

ب: منابع انگلیسی

- Adesina, Olubukola S (2017). Foreign Policy in an Era of Digital Diplomacy. Adesina, Cogent Social Sciences, No. 3, 1-13.
- Asgharirad, Javad (2012). U.S. public diplomacy towards Iran during the George W. Bush Era, Ph.D. Thesis, the Department of History and Cultural Studies of the Freie Universität Berlin.
- Barrinha, André and Renard, Thomas. (2017). Cyber-Diplomacy: The Making of an International Society in the Digital Age. Global Affairs. Vol. 3, Nos. 4-5. 353-364.
- Biener, Hansjoerg. (2003). The Arrival of Radio Farda: International Broadcasting to Iran at a Crossroads. Middle East Review of International Affairs. Vol. 7, No. 1. 13-22.
- Cho, Yun Young. (2012). Public Diplomacy and South Korea's Strategies. The Korean Journal of International Studies. Vol. 10, No. 2. 275-296.
- Çiçek, Ali. (2022). Soft Power, Public Diplomacy and Public Diplomacy Techniques: A Conceptual Evaluation. Turkish Business Journal. Vol. 3, No. 6. 103-119.
- Eksi, Muharrem. (2018). Public Diplomacy: A New Framework for Foreign Policy Analysis, 4th International Relations Congress. Akdeniz University. May 26 2017. Available at: <https://www.researchgate.net/publication>.
- Gones, Ashvin and Melissen, Jan. (2005). Public Diplomacy: Improving Practice, The Hague, Netherlands Institute of International Relations Clingendael. Clingendael Diplomacy Papers. No. 5. 1-48.
- Kasper, Agnes and Osula, Anna-Maria and Molnár, Anna. (2021). EU Cyber Security and Cyber Diplomacy. Universitat Obertal De Catalunya. No. 34, pp: 1-15.
- Khorishko, Liliia & Kovpak, Viktoriia (2021). Public Diplomacy as a Tool for the Formation of the Political Brand of Germany. Reality of Politics. No. 17. 74-86.
- Metzgar, Emily T. (2012). Is It the Medium or the Message? Social Media, American Public Diplomacy & Iran. Global Media Journal. Vol. 11, No. 21. 1-22.

Price, Ned. (2022). Celebrating 15 Years of DipNote, U.S. Department of State. September 25. Available at: <https://www.state.gov/dipnote-u-s-department-of-state>.

Rouse, Margaret. (2013). Twitter, January 10, Techopedia. Available at: <https://www.techopedia.com/definition/4957/twitter>.

Saliu, Hasan. (2020). The Evolution of the Concept of Public Diplomacy from the Perspective of Communication Stakeholders. Medij. Istraž. Vol. 26, No. 1. 69-86.

Storin Linitz, Karen. (2007). State Department Launches New Official Blog, Et Seq: The Harvard Law School Library Blog. Available at: <https://etseq.law.harvard.edu>.

Verrekia, Bridget. (2017). Digital Diplomacy and Its Effect on International Relations. Independent Study Project (ISP) Collection. Available at: <https://digitalcollections.sit.edu/isp>.

Social and Cultural Implications of the Barack Obama Administration's Cyber Diplomacy in Iranian Society

Abstract

The main purpose of US cyber diplomacy towards Iranian society is to promote American culture and values in order to present a favorable image of itself and to influence Iranian public opinion in order to achieve its goals of weakening and changing the political system. US cyber-diplomacy with Iran, which began under George W. Bush, expanded during Barack Obama's presidency, and Iranian society became the audience and purpose of new cyber-diplomacy tools. The purpose of this study is to investigate the social and cultural implications of the Obama administration's cyber diplomacy with Iran. The main question is What were the social and cultural consequences of US cyber diplomacy in Iranian society during Obama's presidency? It is further hypothesized US cyber diplomacy has been able to make most Iranian Internet users pessimistic about Iranian-Islamic society and identity by changing their mentality and attitudes and the more available and accessible the Iranian audience is to the media and the tools of cyberspace and social networks, this effect has been greater. The present study examines the impact of US cyber diplomacy on issues such as changing attitudes toward Iranian society, identity and religiosity of Iranian society and Iranian women under a descriptive-analytical method.

Keywords: Cyber Diplomacy, Iranian Society, Social and Cultural Issues, USA, Barack Obama.